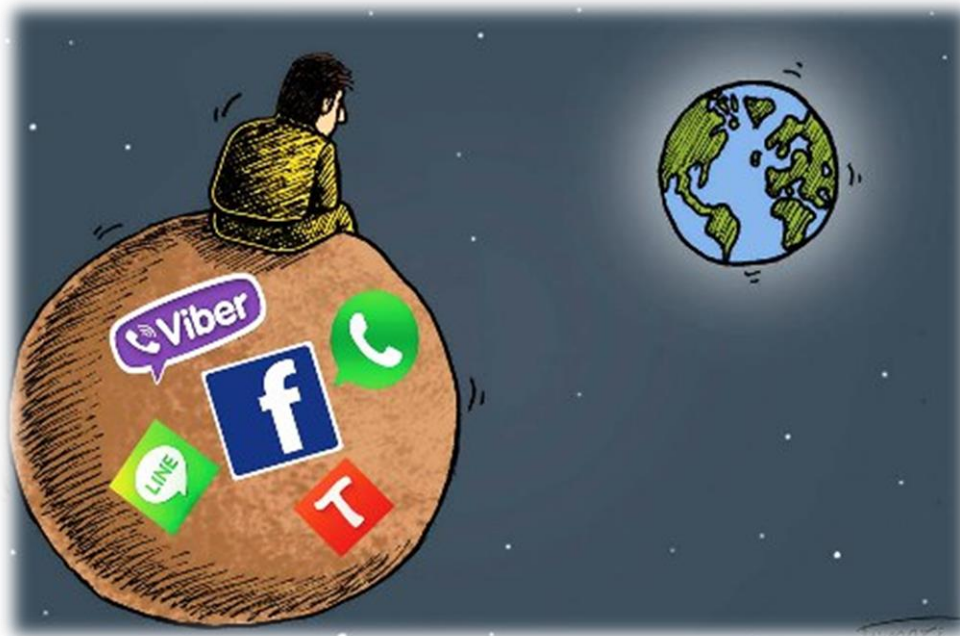


شبکه های اجتماعی مجازی و بحران هویت

چکیده:

فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی یکی از مهم‌ترین ابزارها برای نمود یافتن اثرات جهانی‌شدن است. این فضای مجازی عرصه وسیعی از اطلاعات و نمودهای مختلف معنایی را ایجاد می‌کند. افراد در مواجهه با این فضا و تکرر منابع در ساخت هویت، دچار تعلیق (به معنی معلق بودن و سردرگمی) می‌شوند. از بین رفتن زمان و مکان و نقش بیشتر فضا در دنیای مجازی تجلی آشکاری دارد. افراد در مواجهه با این فضای دوم، بنیان‌های هویت خود را متزلزل می‌بینند و دچار تردید و اضطراب می‌شوند. اگرچه شبکه‌های اجتماعی مجازی در فرایند ارتباطات می‌توانند دارای تأثیرات مثبت و منفی باشند، پژوهش حاضر تنها بر جنبه‌های بحران‌زای این فرایند تأکید کرده است و یکی از آثار فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی را در جوامع، به خصوص جوامع درحال گذار، ایجاد بحران هویت ملی و دینی می‌داند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که براساس یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران فضای مجازی در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی‌اند. فضای مجازی نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده‌ای از جوانان به‌وجود آورده و این بحران هویت در زمینه‌های فردی ناهمگونی- های هویتی را سبب شده و به نحوی تعادل اجتماعی را متأثر کرده است. همچنین شبکه‌های اجتماعی مجازی، باعث تغییرات اساسی در نهادهای هویت‌ساز شده‌اند و عوامل معنا‌ساز هویتی را دستخوش تغییر نموده‌اند.



کلمات کلیدی: شبکه‌های اجتماعی مجازی، فضای مجازی، هویت، بحران هویت

بیان مسئله

جوامع مختلف تحت تاثیر تحولات بسیار عظیم علمی-تکنولوژیک به سمت جامعه اطلاعاتی یا جامعه شبکه‌ای در حال حرکت‌اند. جامعه شبکه‌ای، جامعه‌ای است که ساختار آن متأثر از فناوری است. در جامعه شبکه‌ای، جوامع با چالش‌هایی چون نابرابری اجتماعی، هویت‌های جدید، تمایزپذیری و شالوده‌شکنی نهادهایی نظیر دولت، و فرصت‌هایی چون نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در پژوهش، خلاقیت، تعامل و همزیستی جهانی، شکل‌گیری هویت سیال و غیره رو به رو شده‌اند. به نظر می‌رسد به علت وجود این چالش‌ها انسجام اجتماعی و هویتی در جامعه اطلاعاتی و به خصوص در کشورهای در حال توسعه مانند ایران متزلزل شده است. فرایند جهانی شدن با گسترش قلمرو روابط زندگی اجتماعی دنیای اجتماعی افراد را بسیار بزرگتر می‌کند و احساس کنترل‌ناپذیر شدن چنین دنیایی را در آنها به‌وجود می‌آورد.

شبکه‌های اجتماعی مجازی به لحاظ عمومیت یافتن در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیایی در درون مرزهای ملی، تبدیل شدن به یک ارتباط خصوصی و شخصی و فارغ بودن از هر نوع کنترل از سوی مراجع قدرت، به‌وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده‌اند و زمینه‌های تاثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به‌وجود آورده‌اند.

مفهوم بحران هویت ناشی از شرایط جدید فضای دو جهانی شده کنونی است. از مهم‌ترین عوامل بروز بحران هویت در جوامع فعلی، گسترش صنعت ارتباطات و به‌ویژه فضای مجازی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی سایبری است. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی که آزادترین محیطی است که بشر تا به امروز با آن مواجه بوده، منابع هویت‌ساز سنتی و معمول در جوامع را تضعیف و کارکرد آنها را با دشواری رو به‌رو کرده است. این بحران فقط به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه محدود نبوده و نخواهد بود؛ به‌طوری که در جهان امروز هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعا کند که از تأثیرات ناشی از این بحران در امان خواهد بود.

هویت‌های دینی و ملی در ایران امروز، هر یک به گونه‌ای، با نوعی از بحران هویت مواجه‌اند. پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال: نسبت میان فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی و بحران هویت اجتماعی چیست؟ همچنین بررسی این مسئله است که هویت‌های ملی و دینی در ایران امروز با چه نوع بحران هویتی مواجه هستند؟ تاثیر فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی بر هویت در مفهوم گسترده خود به‌رغم انکارناپذیر بودن آن، صرفاً در نوع، میزان و تأثیر مثبت یا منفی آن محل مناقشه نظری است و این که این تاثیر و تغییر هویت به چه نحو خواهد بود، هنوز پاسخ روشنی برای آن وجود ندارد. به نظر می‌رسد دوران کنونی، دوران بلاتکلیفی در فرجام این فرایند است. با این وصف، امکان دارد وقوع چندگانگی و شکاف‌های هویتی در درون جامعه ایران به نوعی از بحران هویت بینجامد. این مسئله در کشورهای دارای فناوری‌های ضعیف ارتباطی کم قدرت، وضعیتی متفاوت دارد و این کشورها با تأثیرپذیری بیشتر و تأثیرگذاری کمتر، بیشتر در معرض بحران هویت قرار دارند.

فرضیه پژوهش حاضر نیز بر این اساس است که: شبکه‌های اجتماعی از طریق جهانی‌سازی شبکه ارتباط و تعاملات ناشی از آن، موجب تغییر در نظام ارزشی، هنجاری و نگرش نسل سوم، و زمینه‌ساز بحران هویت در سطوح مختلف

شده است. در پژوهش حاضر، از نظریات حوزه بحران، بحران هویت با تکیه بر نظریات لوسین پای [۴] و دیدگاه مانوئل کاستلز [۵] در مورد آثار گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بر زندگی اجتماعی استفاده شده است. روش مطالعه در این نوشتار، بهره‌گیری از استدلال‌های نظری و نیز متکی بر برخی شواهد تجربی از سایر تحقیقات صورت گرفته می‌باشد.

تعریف مفاهیم

شبکه‌های اجتماعی مجازی

اصطلاح شبکه‌های اجتماعی را برای نخستین بار چی‌ای بارنز [۶] در سال ۱۹۵۴ طرح کرد و از آن پس به سرعت به شیوه‌ای کلیدی در تحقیقات و مطالعات بدل گشت. در تئوری شبکه اجتماعی سنتی، یک شبکه اجتماعی به این صورت تعریف می‌شود که یک مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی که شامل مردم و سازمان‌ها که به‌وسیله مجموعه‌ای از روابط معنی‌دار اجتماعی به هم متصل‌اند و با هم در به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها تعامل دارند. شکل سنتی خدمت شبکه اجتماعی بر انواع روابط هم‌چون دوستی‌ها و روابط چهره به چهره متمرکز است اما خدمات شبکه اجتماعی امروزه بیشتر بر جامعه مجازی آنلاین و ارتباطات کامپیوتر واسط متمرکز است.

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی پایگاه یا مجموعه پایگاه‌هایی هستند که امکانی فراهم می‌آورد تا کاربران بتوانند علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم این افکار و فعالیت‌ها را با آنان سهیم شوند. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آن‌ها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (بوید و الیسون، ۲۰۰۷: ۲۱۲). به‌طور کلی در تعریف شبکه‌های اجتماعی می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی سایت‌هایی هستند که از یک سایت ساده مانند موتور جستجوگر با اضافه شدن امکاناتی مانند چت و ایمیل و امکانات دیگر خاصیت اشتراک‌گذاری را به کاربران خود ارائه می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی، محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ، به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند. در واقع شبکه‌های اجتماعی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده‌اند. به‌طور کلی از طریق اطلاعاتی که بر روی پروفایل افراد قرار می‌گیرد مانند عکس کاربر، اطلاعات شخصی و علایق (که همه این‌ها اطلاعاتی را در خصوص هویت فرد فراهم می‌آورد) برقراری ارتباط تسهیل می‌گردد. کاربران می‌توانند پروفایل‌های دیگران را ببینند و از طریق برنامه‌های کاربردی مختلف مانند ایمیل و چت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (پمپک [۷] و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۲۸).

هویت

دو معنای اصلی هویت، تمایز و تشابه مطلق است. جنکینز (۱۳۹۱: ۵) هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: هویت ریشه در زبان لاتین و دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن مفهوم تشابه مطلق را بیان می‌کند؛ این با آن مشابه است. معنای دوم آن تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، به مفهوم شباهت از دو زاویه

مختلف راه می‌یابد. مفهوم هویت، همزمان میان افراد یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد؛ شباهت و تفاوت. هویت داشتن یعنی یگانه بودن، ولی از دو جنبه متفاوت: همانند دیگران بودن در طبقه خود و همانند خود بودن در گذر زمان.

مفهوم هویت در جامعه‌شناسی مفهومی چندبعدی است و می‌توان به چند طریق درباره آن بحث کرد. به بیان کلی، هویت به درک و تلقی مردم از این که چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است مربوط می‌شود. این درک و تلقی در پیوند با خصوصیات معینی شکل می‌گیرد که بر سایر منابع معنایی الویت دارند. جامعه‌شناسان اغلب از دو نوع هویت سخن می‌گویند: هویت اجتماعی و هویت شخصی. این شکل‌های هویت فقط از نظر تحلیلی از هم جدا و متمایز می‌شوند اما در واقع پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند.

هویت اجتماعی به معنای ویژگی‌هایی است که از طرف دیگران به یک فرد نسبت داده می‌شود. این ویژگی‌ها را می‌توان نشانه‌هایی تلقی کرد که نشان می‌دهند هر شخص معینی، اساساً چه کسی است. در عین حال، این ویژگی‌ها شخص مذکور را به افراد دیگری مربوط می‌کند که همین خصوصیات و کیفیات را دارند. همچنین هویت‌های اجتماعی بعد جمعی دارند. آن‌ها مشخص می‌کنند که افراد چگونه و از چه نظر «شبيه» دیگران هستند. اگر هویت‌های اجتماعی نشان‌دهنده شیوه‌های همسانی افراد با دیگران هستند، هویت شخصی، ما را به‌عنوان افرادی جدا و مجزا از یکدیگر متمایز می‌کند. هویت شخصی به معنای رشد و تکوین شخصی است که از طریق آن ما معنای یگانه و منحصر به فردی از خویش‌مان و مناسبت‌مان با جهان پیرامون خود خلق می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۶).

با توجه تعاریف صورت گرفته از هویت، می‌توان نتیجه گرفت که هویت برساخته‌ای اجتماعی است. کیفیتی ثابت یا ذاتی نیست، بلکه ساخته می‌شود و سپس در تعامل با دیگران تغییر می‌کند. دوم این که هویت توأم با احساس تعلق است. جزء ذاتی این که بدانیم چه کسی هستیم عضویت در گروه یا گروه‌های اجتماعی است که از اعضای شبیه به یکدیگر تشکیل شده‌اند. سوم این که مسئله هویت به تفاوت ما با دیگران نیز مربوط می‌شود. بخشی از دانستن این که چه کسی هستیم دانستن این است که چه کسی نیستیم. چهارم، از آن جا که هویت اکتسابی است انعطاف‌پذیر نیز هست و در برخی از جوامع انعطاف‌پذیرتر از برخی دیگر است.

هویت در سطوح و ابعاد مختلف واکاوی شده است. هویت ملی، هویت دینی، هویت جهانی و مواردی از این قبیل. هنگامی که از هویت دینی سخن به میان می‌آید، در واقع به ابعاد کارکردی و عینی دین اشاره می‌شود. هویت دینی آن احساس خاصی است که پیروان یک دین را به یکدیگر پیوند می‌دهد و ایشان را در تعلق‌شان به یک هویت جمعی تعریف می‌کند (گزارش راهبردی، ۱۳۸۵: ۱۴).

در واقع، هویت دینی به میزان شناخت فرد از تعلق و ارتباطش نسبت به دینی خاص و پیامدهای ارزشی مثبتی که فرد برای این تعلق و ارتباط قائل است و بالاخره احساسات خاص فرد نسبت به آن دین و نسبت به دیگرانی که مثل او رابطه‌ای مشابه با آن دین دارند، تعریف شده است. به بیان دیگر هویت دینی عبارت است از: تعریف شخص از خود براساس داشتن تعلق نسبت به دینی خاص به همراه ملاحظات ارزشی و احساسی مترتب با آن.

هویت ملی را می‌توان نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست. ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان تاریخی و فرهنگ و سرزمین معین دارد. هویت ملی یعنی احساس تعلق به گروهی از انسان‌ها، به‌واسطه اشتراک داشتن در برخی عناصر فرهنگی و شبه‌فرهنگی (حاجیان، ۱۳۸۸: ۳۶۱). اسمیت هویت ملی را بازتولید و بازتعبیر پایدار ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، افسانه‌ها و سنت‌ها می‌داند که عناصر تمایزبخش هر ملتی هستند. هویت ملی عبارت است از نوعی احساس تعلق فرهنگ‌محور، تمایز‌آفرین و تداوم‌بخش به یک ملت که دولت و گفتمان‌های مسلط با بهره‌برداری از منابعی معین آن‌را به‌وجود آورده و حفظ و تعریف می‌کند. وی اضافه می‌کند که هسته هویت ملی تداوم و تمایز است. در جایی دیگر اشاره شده که هویت ملی فرایند پاسخ‌گویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌های پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان تعلق، خاستگاه اصلی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های مهم از هویت تاریخی خود است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

هویت ملی از تعلق فرد به یک سرزمین و دولت ملی یا به‌عبارتی به کشور خاصی سرچشمه می‌گیرد. به‌بیان دیگر، هویت ملی به معنای احساس همبستگی با کل اعضای ساکن در یک چارچوب سرزمینی مشترک است. به‌طوری که نسبت به موجودیت کل آن آگاهی و به آن احساس وفاداری دارند.

بحران هویت

بی‌تردید یکی از مسائل عمده‌ای که در سال‌های بعد از انقلاب به ویژه در سال‌های اخیر مسئولان مطرح کرده‌اند مسئله بحران هویت است. زمانی که فرد یا جامعه از عناصر هویت‌ساز خویش مانند دین، زبان، نژاد، قومیت و فرهنگ آگاهی نداشته باشد و یا عناصر هویتی جایگاه خود را به عنوان شاخص‌های شناخت یک جامعه از دست بدهد و عناصر دیگر نیز به جای آنها شناخته نشده باشد، فرد یا جامعه با بحران هویتی مواجه می‌شود. با این اوصاف فرد برای خروج از این بحران بایستی به یافتن ارزش‌های مثبت و پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود بگردد تا از درهم ریختگی و اختلال هویت که دائماً در رنج و عذاب است، رهایی‌بخش شود و هویت اصیل خویش را باز یابد.

آن‌چه امروزه بر اهمیت این بحران در جوامعی شبیه ایران افزوده، ناشی از عوامل بحران‌زای فرایندهای ارتباطی است. در سه دهه اخیر، مجموعه‌ای از مفاهیم در خصوص بحران هویت در سطح خرد تا ملی و سطح جهانی به‌وجود آمده است. این مباحث در حال حاضر به طور یک‌پارچه با عنوان بحران هویت مطرح می‌شود.

از نظر بایندر، بحران هویت بر مبنای ذهنی، ولی نه همواره احساسی به عضویت در یک جامعه سیاسی اشاره دارد. ابتدایی‌ترین عوامل بحران‌ساز هویتی از تنش بین مفاهیم فرهنگی و روانشناختی، هویت شخصی، گروهی، تعریف سیاسی جامعه، ایستارها و ارزش‌های حاکم و تناقض‌های حاکم و تناقض‌های پیش آمده از هویت ذهنی و سایر هویت‌ها ناشی می‌شود. مشکل هویت در جوامع مختلف با روش‌های متفاوت بروز کرده و امروزه به یک نگرانی جدی در حوزه سیاست تبدیل شده است. به اعتقاد بایندر، بحران هویت ضرورتاً، بحران یک کشور نیست، بلکه بحران عصر ماست (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۹۳-۹۲). به هر ترتیب، جوامع امروزی در فرایند گذار خود از بحران‌های متعددی، از جمله مشارکت، مشروعیت، توزیع، نفوذ و هویت عبور می‌کنند. نکته حائز اهمیت، پیچیدگی این بحران در دوره پساصنعتی است. این دوران با خصوصیات خاص خود که ناشی از فرایندهای ارتباطی نوین است، نوع جدیدی از بحران هویت را پیش روی جوامع (مانند ایران) قرار داده است. بحران هویت وقتی رخ می‌دهد که یک جامعه در یابد که آن‌چه

تا کنون به‌طور در بست و بی‌چون و چرا به عنوان تعاریف فیزیکی و روانشناسانه «خودجمعی» اش پذیرفته است، تحت شرایط تاریخی جدید، دیگر قابل پذیرش نیست. از طرف دیگر، نیروهای تدریجی و غیرمهیجی، مانند گسترش ارتباطات جهانی، می‌تواند بنیان هویت یک جامعه سابقاً منزوی را از طریق آگاه‌سازی مردم آن جامعه از یک دنیای کاملاً نوین از لحاظ کنش سیاسی، متزلزل سازند.

امروزه، در عرصه جامعه‌شناسی بحران هویت مسئله‌ای اجتماعی تلقی می‌شود. جامعه‌شناسانی، مثل کاستلز این پدیده را در پرتو جهانی‌شدن که نتیجه توسعه ارتباطات انسانی است بررسی کرده‌اند. با وجود این که بسیاری از جامعه‌شناسان این پدیده را جهانی می‌نامند، واضح است که آثار و تبعات این پدیده در کشورهای مختلف، متفاوت است.

فضای مجازی و هویت

اینترنت دارای قابلیت است که به‌واسطه آن افراد می‌توانند خودهای جدیدی را در دنیاهای جدید بسازند. این امور ممکن است در دنیای مادی اصلاً وجود خارجی نداشته باشند یا فرد به‌زعم خودش قادر به دستیابی به آن نباشد. این‌ها استفاده از فضای مجازی را برای کاربران جذاب‌تر می‌کند. بدین ترتیب، وب به مکانی برای معرفی و نمایش شخصیت فرد تبدیل می‌شود. البته قضیه به همین جا ختم نمی‌شود؛ زیرا امکان دارد که تصویر ارائه‌شده از سوی یک فرد بر روی وب، توسط دیگران به صورت‌هایی غیر از شکل مورد نظر وی تفسیر شود (اسلوین، ۱۳۸۰: ۱۵۶). حتی امکان معرفی خود در سایت‌های مختلف به صورت‌های گوناگون وجود دارد. به طوری که افراد بتوانند در جبران ارتباط‌گیری «هویت الکترونیک چندگانه‌ای» برای خود بسازند و هر بار خود را به یک صورت نشان دهند. تلویزیون و سایر رسانه‌ها فاقد این ویژگی خاص فضای مجازی‌اند. در مجموع، هویت اینترنتی یا هویت مجازی با دیدگاه‌های متعارف درباره هویت جور نیست. دیدگاه‌های متعارف درباره هویت به دنبال کلیت‌سازی درباره مفهوم هویت و یکپارچه نشان دادن آن هستند و تأثیر کلی آن‌را بر فرد در نظر می‌گیرند (بل، ۲۰۰۱: ۱۱۴). اما با این اوصاف در فضای مجازی استفاده از چنین تعاریفی برای هویت دشوار می‌شود و با گسترده‌تر شدن مرزهای هویتی، مرزبندی هویت واقعی و تخیلی در اینترنت مخدوش می‌شود.

به هر حال، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی محصول درهم شکستگی هستی‌شناختی و پیچیده‌تر شدن فزاینده تفاوت‌های فردی هستند و با آن سنخیت تام دارند. امروزه حتی اعضای خانواده‌ها و همسایگان نیز به‌ندرت معنای واحدی از هویت در ذهن دارند. این امر تشخیص اصالت‌ها را روز به روز دشوارتر می‌سازد. آلن تورن [۸] به خوبی این شرایط به ظاهر تناقض‌آمیز انسانی را توصیف کرده است: «ما در سکوت زندگی می‌کنیم، در شلوغی به سر می‌بریم، منزوی هستیم، در دریای خلق گم شده‌ایم» (تورن، ۱۳۸۰: ۱۶۰). از این حیث، هویت مجازی را می‌توان با فرایند اساساً مدرن تشکیل هویت به‌وسیله خویشستن و رسیدن به فهمی از خود و هویت‌یابی مربوط دانست.

فرد در دوره مدرنیته از جا کنده می‌شود و اضطراب‌های وی افزایش پیدا می‌کند. اینترنت نه تنها این وضع را متحول کرد؛ بلکه به آن شدت بخشید. در این‌جا ساختار و فردیت به هم می‌رسند و توأم‌اً مهمترین جنبه پست‌مدرنیستی اینترنت را می‌سازند. امکانات موجود برای انتخاب انواع متفاوت خروجی‌های اینترنت نه تنها فردیت کاربران را تقویت می‌کند؛ بلکه موجب تکثر بیشتر می‌شود. در عین حال، همزمان با افزایش میزان تفاوت‌ها در اثر رشد استفاده عمومی از اینترنت، جهان‌بینی‌های افراد واگراتر [۹] می‌شود (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۸: ۷۸). اینترنت شبیه یک بازار ارتباطی است و همین به

تکثر هویتی و رشد فردیت کمک می‌کند و اشکال ابراز وجود شخصی را متنوع‌تر می‌کند، اما در عین حال نمی‌توان از این ایراد چشم‌پوشی کرد که وسایل ارتباطی به تدریج نقش فزاینده‌ای در سست کردن انسجام اجتماعات واقعی و ذره‌ای کردن جوامع انسانی دارد. همچنین اینترنت باعث رشد یک فرهنگ شخصی شده و حاصل تخیلات و تصورات و پندارهای فردی است. این امر به قیمت کاهش نفوذ کلیت‌های سیاسی بر هویت‌سازی‌های فردی تمام می‌شود و می‌تواند به شکل‌گیری منابع جدید هویتی بیانجامد (معینی‌علمداری، ۱۳۸۴: ۱۱۶-۱۱۵).

علاوه بر اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی هم‌چون فیس‌بوک، به دنبال ایجاد جوامع مجازی هستند. این جوامع مجازی بر اساس ساختار و تعاریف خود به طبع دارای ارزش‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هستند. به طوری که این جوامع مجازی توانسته‌اند مفاهیمی چون «دوست»، «ارتباط»، «خانواده»، «هویت» و حتی مسائلی جزئی مانند نحوه احوال‌پرسی کردن را بازتعریف کنند. اگرچه کاربران خود در شکل‌دهی این جوامع نقش چشمگیری ایفا می‌کنند اما قوانین این جوامع مجازی و گفتمان حاکم بر آنان در تأثیرگذاری و شکل‌دهی هویت اعضای خود نقش مهمی ایفا می‌کنند.

ابتدایی‌ترین تأثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر کاربران این است که هویت فعلی او را به چالش می‌کشند؛ ابتدا کاربر را از خود واقعی تهی می‌کنند و سپس به او فرصت می‌دهند خود ایده‌آلش را بروز دهد، در حالی که به طور ناخودآگاه، این خود جدید در فضای گفتمانی شبکه‌های اجتماعی برساخته شده است. شبکه‌های اجتماعی صحنه‌ای فراهم می‌آورند که کاربران می‌توانند از هر جنسیت، سن، طبقه اجتماعی، نژاد و قومیتی که باشند، در آن ظاهر شوند و نقش دلخواه خود را بازی کنند. در این سطح، شبکه‌های اجتماعی مجازی، کاربر را به هویتی فردمدارشده [۱۰] با مشخصات منحصر به فرد سوق می‌دهند. در واقع با شبکه‌های اجتماعی مجازی این قابلیت به فرد داده می‌شود تا خود را هر گونه که می‌خواهد، فراتر از هویت واقعی خود در جهان فیزیکی بازتعریف و روایت کند. بنابراین، با قبول این فرض که شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در درون جامعه مصرفی خلق شده‌اند، خود منشأ بازتولید مکرر چنین جامعه‌ای می‌شوند.

ریچارد بارتل [۱۱] (۲۰۰۴: ۱۶۴) این گونه استدلال می‌کند که دنیاهای مجازی برای مردم آینه‌ای را فراهم می‌آورند که هر چه فرد تصویر خود را در آن مأنوس‌تر با خود واقعی یا ایده‌آلش بیابد، بیشتر با آن ارتباط برقرار می‌کند. در واقع، راز موفقیت و جذب کاربر برای وبسایت‌های عمده این است که کاربر خود را در آینه جهان مجازی پیش رویش ببیند. بدین ترتیب، در باب هویت در دنیای مجازی، مسئله این است که کاربر چه میزان انعکاس تصویر خود را در این آینه می‌پسندد.

زمانی این تلقی وجود داشت که هویت افراد در فضای مجازی، هویتی ناشناخته و چندگانه است، اما اکنون کاربران ادامه هویت تعریف‌شده خود در فضای مجازی را به صورت آفلاین پی می‌گیرند و یا در فعالیت‌های آفلاین در بسیاری از مواقع برای خود نام و نشان تعریف می‌کنند و با آن همزادپنداری زیادی دارند. بنابراین، معادلات پیشین هویت دچار تحول شده است. بدین ترتیب، بازتعریف هویت فردی و اجتماعی در فضای مجازی در ابعاد گوناگون قابل بررسی است. در این فضا، همگرایی جامعه مصرفی و تخصص حرفه‌ای تولیدکنندگان و تجار به بازآفرینی مفاهیم انسانی چون بلوغ، سن و مراحل مختلف زندگی انجامیده است. شاید این تعجب‌برانگیز باشد که مفاهیم انسانی با ابعاد زیست‌شناختی مانند بلوغ نیز در دنیای مجازی تعابیر جدید بیابند، اما ریشه استحاله این مفاهیم ناشی از تأثیرگذاری قوی فضای مجازی بر نوع تفکر کاربران است (کاتز و مارشال، ۲۰۰۶).

همان‌گونه که بارتل (۲۰۰۴) خاطرنشان می‌کند: «هویت، حاصل تفکر است که در قالب‌های گوناگون (در عمل یا در قالب لغات) ظهور می‌کند» و با توسعه عرصه مجازی زندگی بشر [۱۲]، این حقیقت غیرقابل انکار است که این فضای مجازی با کاربر ارتباطی دوسویه قرار دارد؛ نحوه تفکر او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در مقابل گستره وسیعی را فراهم می‌آورد که کاربر هویت خود را در آن براساس ترجیحات خود ابراز می‌کند و به منصفه ظهور می‌رساند. به عبارت دیگر، فضای مجازی امروز تنها آینه منعکس‌کننده کاربر مقابل خود نیست، بلکه تا حد زیادی چگونگی کیفیت کاربر خود را نیز تعریف می‌کند.

زمانی، تلقی منتقدین فرهنگی این بود که چون فضای مجازی عرصه‌ای است که مهندسان فنی و نه مهندسان فرهنگی آن‌را ساخته‌اند، بنابراین نقطه ضعف آن عدم وجود روایت است (بل و کندی، ۲۰۰۰). اما امروز دنیای مجازی آن‌چنان با زندگی و فرایند هویت‌سازی بشر درآمیخته است که نه تنها روایت‌های بی‌شمار در آن قابل درک است، بلکه این روایت‌ها بر روایت دنیای واقعی پیشی گرفته‌اند؛ چنان‌که بودریار از «فراواقعیت» [۱۳] مجازی سخن می‌گوید و به قول آنجل آدریان [۱۴] (۲۰۰۸: ۳۶۶)، همان‌قدر که تجارت الکترونیک از تجارت جدا نیست، هویت‌های الکترونیکی در فضای مجازی نیز از هویت‌های واقعی قابل بازشناسایی نیستند.

بحران هویت در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی

برای تبیین بحران هویت در فضای مجازی، توجه به یک نکته مهم ضروری است. جوامع در حال گذار، عمدتاً در حال سپری کردن و مواجه شدن با بحران‌های هویت دوره تاریخی خود معادل با دوره صنعتی شدن اروپا بوده‌اند. با این حال، به‌طور گریزناپذیر با پدیده‌های جهانی شدن و فضای مجازی در فرایند ارتباطات نوین مواجه شده‌اند. دوره تاریخی جدید نیز همراه خود، نوعی از عناصر بحران‌زای هویتی را حمل می‌کند و مسئله کشورهای درحال توسعه از آن‌جا پیچیده‌تر می‌شود که این کشورها همزمان بدون طی دوره تاریخی خود بحران‌های تو در توی هویتی را تجربه می‌کنند که ناشی از روهم افتادگی دو دوره تاریخی است.

به نظر کاستلز (۱۳۸۰: ۲۷)، سیاست‌های مربوط به هویت را باید در جایگاه تاریخی خود بررسی کرد. یکی از عوامل مهم در تاریخ و جغرافیا، مؤلفه فضای مجازی و قدرت آن است که نیروی قوام‌بخش هویت و بسیاری دیگر از پدیده‌ها و فراورده‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است.

جهانی شدن نیز روندی تاریخی و دگرگونی‌ای مفهومی است که تغییرات و تحولاتی را در برداشت‌ها، باورها، اندیشه‌ها و سلیقه‌های ملت‌ها به همراه دارد و دامنه آن هویت فرهنگی را نیز فرا گرفته است. جهانی شدن و فضای مجازی به طور مداوم و گسترده با شیوه‌ها و داده‌های مختلف به نوعی دائماً در حال ایجاد تغییر در باورها، انگاره‌ها، عقاید، ارزش‌ها، چشم‌داشت‌ها و حتی نیازها هستند.

بسیاری معتقدند مهم‌ترین عامل هویت‌ساز «معنا» است و این معناست که دائماً در عصر اطلاعات در حافظه تاریخی جوامع دستخوش تغییر، هر چند تدریجی، می‌گردد. کاستلز با توجه به اهمیت معنا در عصر اطلاعات و تلاش کنشگران مختلف اجتماعی جهت نیل به معنایی خاص، آن را در تقابل با مفهوم قدیمی «کارکرد» قرار می‌دهد که از سوی نهادهای مسلط اعمال می‌شود این هویت ناشی از هنجارهای اجتماعی است و وابسته به روابط و ترکیب و چینش افراد،

نهادهای و سازمان‌های جامعه است. هویت منبع معنا برای خودکنشگران است و به دست خود آنها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳).

هویت در محیط مجازی به طور مشخص متفاوت با هویت در محیط واقعی است؛ زیرا تفاوت بین محیط‌ها وجود دارد. شخص مختار است از هویت واقعی‌اش در محیط مجازی استفاده کند یا نکند. در محیط مجازی، شخص هویتش را در مسیری شکل می‌دهد که او می‌خواهد آن را در مقابل دیگران به نمایش بگذارد. به عبارت دیگر، او هویتش را به دیگران تحمیل می‌کند.

تامبا [۱۵] سه ویژگی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را بیان می‌کند: به هم فشردگی فضا- زمان، حس نکردن مکان و محدوده‌های محو شده و جماعت تغییر یافته، باید توجه داشته باشیم که ضروری است هر انسانی در یک فضا یا زمان خاص قرار گرفته باشد (پراپروتینیک، ۲۰۰۴: ۱). هویت نقشی کلیدی را در ارتباطات مجازی ایفا می‌کند. بعضی مدعی‌اند توانایی استقرار یک هویت بدون بدن و مستقل از ارزشمندترین جنبه‌های فرهنگ آنلاین است که به مردم اجازه می‌دهد نقش‌ها و روابطی را که به گونه‌ای دیگر هستند، جستجو کنند؛ اما دیگران ادعا می‌کنند گمنامی، بی‌مسئولیتی و رفتار خصومت‌آمیز را تشویق می‌کند.

واقعیت مجازی امکان انواع تجارب ذهنی را فراهم می‌سازد که می‌توانستند انواع مدرن سلطه را منقطع یا متوقف کنند. توانایی واقعیت مجازی در فراگرد خودش نهفته است و اشخاص می‌توانند در یک محیط با واسطه کامپیوتری خاص، خود و جهان را بازسازی کنند. بنابراین، واقعیت مجازی و کارکردهای این راه، می‌تواند در جهت غیرطبیعی کردن فرضی درباره هویت‌های طبیعی داده شده عمل کند. در اتاق‌های گفتگو مجازی مردم می‌توانند دقیقاً «به چیزی که آنها می‌خواهند باشند» یا «دقیقا چطور می‌خواهند مردم دیگر آنها را ببینند» تبدیل شوند (پراپروتینیک، ۲۰۰۴: ۲).

ماهیت مکان و فضا در دنیای دیجیتالی کاملاً دگرگون شده است. امروز، دنیای واقعی با دنیای مجازی چنان در هم فرو رفته که تفکیک آن دو بسیار دشوار شده است. زمان، مفهوم مکانمند گذشته را ندارد. فرهنگ‌ها به شدت در هم ادغام شده و خلوص مکانی و زمانی دیروز خود را از دست داده‌اند. بنابراین، طبیعی است که هویت در بند مکان- زمان و فرهنگ مکانمند و زمانمند در فضای جدید دچار بحران شود (پراپروتینیک، ۲۰۰۴: ۳۷). شاید بتوان بحران‌های ناشی از گمنامی را در دو دسته تقسیم کرد: یک دسته بحران‌های کلی ناشی از مواجهه انسان با فضای مجازی است که از آن به اضطراب دیجیتالی یاد می‌کنند و دوم، بحران‌های ناشی از هویت‌های مجازی.

عاملی (۱۳۸۲)، اضطراب را به سه دوره: اضطراب طبیعی، صنعتی و دیجیتالی تقسیم می‌کند. اضطراب دیجیتالی اضطرابی است که ناشی از ظهور صنعت ارتباطات همزمان و انفجار اطلاعات و مواجهه با انبوهی از دانستنی‌ها و ندانستنی‌هاست که انسان را گرفتار ناتوانی در مدیریت ارتباط و بی‌تعادلی هم در حوزه ارتباطات درون فردی و هم در حوزه ارتباطات بین فردی می‌کند که جهان بیرونی و عینی انسان را تشکیل می‌دهد. وی ادامه می‌دهد: جهان مجازی درون خود، انسان را با فضاهای جدیدی مواجه کرده است که برای بعضی قابل فهم است و برای بخش عظیمی، جمعیت جهان منشأ گمگشتگی، غربت، تنهایی، تضاد و سردرگمی است. علاوه بر این، عدم انطباق جهان مجازی با جهان واقعی زمینه‌ساز اضطراب‌های جدیدی است که در گذشته تجربه نشده است.

بحران‌های ناشی از هویت‌های ساختگی با توجه به این که فرد معمولاً امکان انتخاب هویت‌های دیگری دارد که در نظر دیگران مطلوب‌تر یا خاص‌تر جلوه می‌کند، به وجود می‌آید. در این صورت، فرد هنگام استفاده از امکانات ارتباطی مجازی، هویت واقعی خود را که در سراسر زندگی واقعی با آن درگیر است، کنار می‌گذارد و با هویت جدیدی مواجه می‌شود. به این ترتیب، معناهای جدیدی وارد ذهن فرد می‌شود و هویت جدیدی در کنار هویت واقعی و قدیم او قد علم می‌کند که ذهن فرد را درگیر و دچار بحران می‌کند؛ زیرا این دو هویت در وضعیت همزمانی قرار می‌گیرند و فرد نمی‌تواند به راحتی مفاهیم و خصایص هویتی جدید را با هویت قدیمی و همیشگی‌اش تطبیق دهد و یا اساساً ممکن است میان آنها تعارض پدید آید. این بحران احتمالاً خستگی، تنش، فشار عصبی و ناکامی را برای فرد به همراه می‌آورد. این بحران به خصوص برای کسانی که شکل جدیدتر مطرح می‌شود که تغییرات هویتی فراوان در فضای مجازی برای خود ایجاد می‌کنند و تطابق و هماهنگ کردن این تغییرات با هویت واقعی برای‌شان دشوارتر می‌شود. همچنین کسانی که در جهان واقعی امکان برخی رفتارهای ناهنجار اجتماعی یا ارتباطات خاص را ندارند، در این فضا این امکان را به دست می‌آورند و ممکن است در وضعیتی قرار گیرند که اعمال آن‌ها در قالب هویت مجازی با هنجارهای اجتماعی زندگی واقعی به شدت در تعارض باشد؛ به این ترتیب، دچار بحران بزرگتری خواهند شد (خلقتی، ۱۳۸۷: ۳).

فضای مجازی و بحران هویت در ایران

در بررسی بحران هویت ناشی از فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی در ایران، نمی‌توان بحران‌های هویتی ناشی از دوران گذار جامعه ایران را نادیده گرفت. به اعتقاد نگارنده‌گان، جامعه ایران امروز با دو گونه بحران هویتی با دو منشأ و علل مختلف رو به رو است. مطالعات گسترده در خصوص بحران‌های دوران صنعتی شدن در جوامع مختلف نشان می‌دهد این گونه جوامع در معرض بحران‌های ناشی از تغییرات ساختاری در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاست و اجتماع قرار می‌گیرند. جامعه امروز ایران در عین حال که بحران‌های هویت ناشی از یک دوره تاریخی را با خود حمل می‌کند، در سه دهه اخیر با بحران‌های دوره تاریخی فراصنعتی بدون آن که به طور طبیعی وارد این دوره شده باشد نیز رو به رو شده است. با توجه به خاصیت و کارکردهای فناوری‌های نوین ارتباطی به خصوص شبکه‌های اجتماعی، ورود آثار کنترل‌ناپذیر و بحران‌زای این دوره از سوی حاکمیت به سهولت صورت گرفته و عواقب ناشی از آن وارد جامعه امروز شده است. این شرایط در مجموع وضعیتی را پدید آورده است که می‌توان گفت در حال حاضر، با نوعی از بحران‌های هویت هم‌پوشان مواجه هستیم.

استفاده از اینترنت و این اواخر مخصوصاً شبکه‌های اجتماعی در میان ایرانی‌ها به طور غیر قابل توجهی افزایش یافته و بررسی‌ها نشان می‌دهد این روند کماکان ادامه دارد. اینترنت، به ویژه در میان جوانان ایرانی شیوع زیادی دارد و فاصله آن با سایر نسل‌های قدیم‌تر فاحش می‌باشد. بنابراین، عجیب نیست که بیشتر تحقیقات انجام شده در مورد اینترنت نشان می‌دهد اکثریت کاربران اینترنت در ایران به نسل جوان تعلق دارد.

بنابر یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران اینترنتی در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از اینترنت، از جمله مسائل هویتی و بحران هویتی قرار می‌گیرند. فارغ از شکاف‌های به وجود آمده ناشی از فرایند رسانه‌های نوین، شکاف نسلی موجود ناشی از تحولات ساختاری و جمعیتی جامعه ایران باعث شده است انتقال ارزش‌ها و آموزه‌ها در قالب سنت از نسلی به نسل دیگر با اختلال رو به رو شود. این پدیده از یک سو، به روند انتقال فرهنگ

آسیب می‌رساند و از سوی دیگر، حافظه تاریخی را مختل می‌سازد و بدین ترتیب، انتقال تجربیات سیاسی و فرهنگی دوره‌های پیشین به زمان حاضر با دشواری انجام می‌شود (ریعی، ۱۳۸۷: ۱۶۶-۱۶۵).

یکی از ویژگی‌ها و نیازهای ضروری جامعه جوان ایرانی، کسب هویت اجتماعی (دینی و ملی) است و هویت اجتماعی جوانان، در صورتی کسب می‌شود که نظام اجتماعی از طریق نهادهای واسط خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی و دولت، زمینه‌های لازم را برای کسب هویت اجتماعی آنان فراهم کند. در این صورت، آحاد جامعه نسبت به نظام اجتماعی خود، احساس هویت اجتماعی خواهند کرد و به طور طبیعی، گرایش‌های آنان که به سه سطح ایستاری (شناختی و ارزشی)، کنشی (هنجاری و رفتاری) و نمادی (ظاهری) تقسیم می‌شود براساس الگوها و هنجارهای نظام اجتماعی شکل خواهد گرفت (اوت و شومیکر، ۱۳۷۶).

حال اگر نظام اجتماعی، در فرایند زمینه‌سازی کسب هویت اجتماعی آحاد خود، به خوبی عمل نکند و نتواند الگوها و هنجارهای نظام اجتماعی را برای آنان ساخته و درونی کند، افراد نسبت به نظام اجتماعی خود احساس بی‌هویتی خواهند کرد و در نتیجه برای جبران هویت اجتماعی از دست رفته، به منابع دیگری که در فضای زندگی پیرامون آن‌ها در دسترس است رجوع خواهند کرد. در این صورت گرایش‌های ایستاری، کنشی و نمادی آن‌ها نیز متناسب با الگوهای فرهنگ غربی شکل خواهد گرفت. در واقع، در دنیای کنونی که انفجار اطلاعات در آن به وقوع پیوسته و بخش عظیمی از انسان‌ها و به‌ویژه جوانان در معرض پیامدهای آن قرار گرفته‌اند، هویت مبنا و معنای گذشته خود را از دست داده است و شدت و دامنه تغییرات هویتی در نسل‌های جدید به حدی است که در برخی موارد چالش‌ها و بحران‌های هویتی را پدید آورده است و برخلاف گذشته، فرآیند انتقال هویت بیش از آن که در زمینه ارزش‌ها، باورها و رفتارها و خلاصه هویت‌شان از والدین خویش متاثر باشند از رسانه‌ها، صنعت فرهنگ، همسالان و جوانان دیگر که چه بسا از دیگر کشورها باشند، تأثیر می‌پذیرند.

یافته‌های پژوهش عدلی‌پور (۱۳۹۱) در رساله کارشناسی ارشد (که به بررسی تاثیرات و پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان پرداخته) خود حاکی از آن است که شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یک پدیده نوظهور هم دارای آثار مثبت و هم آثار منفی می‌باشند. آثار منفی آن شامل: تکه‌پاره گشتن سریع جوامع، دگرگونی مفاهیم مکان، زمان، فضا و منابع فرهنگی، به چالش کشیده شدن هویت‌های اصیل و سنتی، رواج هویت‌های سیال و ناپایدار، گمنامی و ناشناس ماندن و سرقت هویت است. علی‌رغم این نکات منفی که این پدیده به همراه دارد نمی‌توان از آثار مثبت آن نیز غافل ماند. افزایش منابع هویتی و آزادی عمل افراد برای کسب منابع مورد نیاز، رهایی و آزادی افراد از چنگال عوامل و متولیان فرافردی هویت‌سازی، فراهم آمدن واقعیت به‌گونه‌ای مجازی و غیره از آثار مثبت این پدیده هستند که اگر از آن‌ها استفاده درستی به عمل آید، باعث رشد و پویایی هویت اجتماعی در میان افراد جامعه خواهد گشت. وی همچنین در پژوهش خود هم‌راستا با تحقیقات رفعت‌جاه و شکوری (۱۳۸۷)، عباس‌قادی (۱۳۹۰)، مهدی‌زاده و عنبرین (۱۳۸۸) و احمدپور و قادرزاده (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی عاملی تاثیرگذار بر هویت اجتماعی جوانان هستند و با افزایش مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعالیت و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده در این شبکه‌ها هویت ملی و دینی کاربران تضعیف می‌شود.

وی در تحلیل این امر معتقد است که احتمالاً استفاده آزاد از امکاناتی چون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در خانواده‌هایی بیشتر رواج دارد که اعتقادات و باورها و در نهایت هویت دینی آن‌ها ضعیف‌تر از دیگر خانواده‌ها است. اما

این مسئله از عامل دیگری نیز سرچشمه می‌گیرد و آن این است که چون در جامعه ما از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی و ماهواره اکثراً به صورت منطقی استفاده نمی‌شود و این رسانه‌ها و امکانات اطلاعاتی و ارتباطاتی، بیشتر مروج فرهنگ مادی‌نگر و لذت‌جو و فردگرایانه غربی هستند، یکی از جنبه‌های آسیب‌زای آن کاهش تعلقات دینی و اخلاقی در نوجوانان و جوانان است. همچنین تعامل در فضای مجازی تأثیر دوگانه‌ای بر ابعاد هویت دینی جوانان دارد؛ به طوری که با افزایش دسترسی و بهره‌مندی از مجاری نوین اطلاعاتی و ارتباطی و افزایش مدت زمان استفاده و نوع مصرف به دلیل تلطیف افق ذهنی و بینشی و ارتقا و گسترش جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و عملی، از یک سو، از شدت ابعاد پیامدی و تجربی کاسته می‌شود و از سوی دیگر، هویت دینی جوانان در بعد شناختی تقویت می‌شود. در واقع اطلاعات یاد شده بر این واقعیت دلالت دارد که جوانان متناسب با نوع نیازهای دینی و مذهبی خود از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند و به همان ترتیب استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر شیوه و سبک دینداری آن‌ها تأثیر می‌گذارد و انعطاف‌پذیری نسبت به قرائت‌های دینی مختلف را افزایش می‌دهد. یافته‌های پژوهش وی همچنین با آن چه در زمینه همسان‌سازی فرهنگ کشورهای جهان سوم با کشورهای غربی صورت می‌گیرد نیز همخوانی دارد. از آن جا که ایجادکنندگان و پیام‌فرستندگان و برنامه‌سازان این تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی عمدتاً کشورهای توسعه‌یافته غربی هستند تعجبی هم ندارد که انبوه فیلم‌ها و سایت‌های پرمخاطب آن‌ها هویت فرهنگی، قومی و ملی کشورهای مصرف‌کننده را تحت تأثیر قرار داده و تضعیف نماید. با این حال در سال‌های اخیر در اینترنت مقاومت‌هایی در برابر این جریان به چشم می‌خورد که نشان از ظهور و احیای هویت‌های قومی و ملی در اینترنت و ماهواره است.

سایر پژوهش‌های انجام شده توسط محققان دیگر به‌ویژه تحقیق ساروخانی و رضایی‌قادی (۱۳۹۱)، کوهی و حسنی (۱۳۹۱)، نشان‌دهنده آنند که با گسترش روزافزون رسانه‌های نوین همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی، به‌ویژه در جوامع در حال گذار، روند نوسازی به تضعیف پیوندهای سنتی می‌انجامد. این رسانه‌ها می‌توانند در نگرش‌ها و رفتار شهروندان تأثیر گذارده و باعث کاهش همدلی، احساس تعلق ملی و انسجام اجتماعی شوند. اینگلههارت با طرح مفهوم انقلاب خاموش، بر این نظر است که ورود سریع ارزش‌ها و ایده‌های جدید از طریق تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند گسست‌های جدی در مبانی هویتی جامعه ایجاد کند. هم‌چنان که کاستلز بیان کرده است ماهواره و اینترنت با دگرگون ساختن بنیادین ماهیت ارتباطات، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر و شکل‌دهی فرهنگ‌ها و هویت ملی شهروندان ایفا می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۸۴-۳۸۳). علاوه بر آن، پاستر بر نقش اینترنت در گسترش فرهنگ و هویت و روش جدید ساخته شدن هویت ملی تأکید کرده است. در این ارتباط، وی فرایند جهانی‌شدن رسانه‌ها را با به وقوع پیوستن افول هویت ملی تحلیل کرده است (پاستر، ۱۳۷۷: ۵۲). گیدنز اینترنت و ماهواره را عامل سردرگمی و بی‌ثباتی و بی‌نظمی فرهنگی قلمداد کرده است.

گستره بحران هویت به موارد یادشده محدود نمی‌شود. نوعی از بحران هویت که خاص فضای مجازی است، مربوط به تغییر اجتماعی سریع است. بر اثر ارتباطات این چنین و تعامل با فضای مجازی، سنت‌های قدیمی به سرعت در حال سست شدن بوده و احساس سردرگمی هویتی در تعدادی از گروه‌های اجتماعی شکل گرفته است. استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی تأثیرات عمیقی بر ارزش‌های جوانان داشته و موجب شده نیازهایی که قبلاً توسط خانواده بر طرف می‌شد، امروزه از سوی این رسانه جدید مرتفع گردد؛ مثلاً در گذشته دوست‌یابی تحت نظر والدین صورت می‌گرفت؛ اما امروزه برخی جوانان با استفاده از سیاست‌های دوست‌یابی، گفتگو (چت) و امثال آن‌ها قادرند با افراد گوناگون و با

فرهنگ‌های مختلف آشنا شوند. کاربران اینترنت بر خلاف نسل اول که در فضایی واقعی و حقیقی فعالیت می‌کردند، امروزه در فضایی مجازی مشغول هستند. بر همین اساس، بسیاری از کارکردهای خانواده در جامعه‌پذیری افراد به وسیله این رسانه تعاملی در محیطی مجازی صورت می‌گیرد (بوربورحسین بیگی، ۱۳۸۳: ۵۶).

پدیده مهم دیگری که از بحران هویت به وجود می‌آید، ترکیبی از بحران هویت فردی و اجتماعی است. شواهد نشان می‌دهد وقتی افراد در معرض فضای مجازی قرار می‌گیرند، به نوعی از دگرخودپنداری از خویش مبتلا می‌شوند. این پدیده که در روانشناسی از آن به بیماری امپاتی [۱۶] یاد می‌شود، وضعیتی پدید می‌آورد که افراد در فضای مجازی، خود را در شرایطی ایده‌آل و دست نیافتنی‌تر تعریف می‌کنند و در مواجهه با واقعیت دچار نوعی بحران می‌شوند. به نظر می‌رسد این بحران، پایه‌ساز بحران‌های سیاسی و اجتماعی در جوامع در حال توسعه می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پیشرفت در فناوری اطلاعات راه و روش انسان را در ثبت و ضبط تاریخ تغییر داده است، این تغییر بر نحوه تعامل افراد با یکدیگر نیز تاثیرگذار بوده است. یکی از اتفاقات مهم در پایان هزاره دوم، ظهور فناوری‌های ارتباطی است که برجسته‌ترین آن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، اصلی‌ترین عوامل تشکیل دهنده فضای مجازی، شناخته می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از مهمترین این ابزارها، با قابلیت‌ها و امکانات خود تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های اجتماعی کاربران در جوامع گوناگون گذارده‌اند. استفاده جوانان ایرانی از شبکه‌های اجتماعی مجازی رو به گسترش می‌باشد و به طور گریزناپذیری، جوانان، پرجمعیت‌ترین و پرتعدادترین گروه نسلی ایران، در مواجهه با اینترنت و متأثر از فضای مجازی هستند. وابستگی متقابل دو جهان مجازی و واقعی باعث تعاملات فردی و اجتماعی در قلمروهای زیادی شده است. آن‌چنان که گفتیم، هویت در درون هر جامعه‌ای از عوامل ثابت و همبستگی است و هویت با ابعاد مختلف شخصی، اجتماعی، ملی و دینی، هر یک تأثیرات زیادی در دوام و بقا و استمرار جامعه دارند.

یافته‌ها پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده‌ای از جوانان به‌وجود آورده است. بحران هویت در زمینه‌های فردی ناهمگونی‌های هویتی را سبب شده و به‌نحوی تعادل اجتماعی را متأثر کرده است.

در مورد این که چگونه بحران هویت در سطح فردی ناشی از فضای مجازی شکل می‌گیرد، با توجه به نظریه دو جهانی شدن‌ها در کنار هویت واقعی افراد، می‌توان از هویت‌های مجازی سخن گفت که هر شخص که با محیط‌های اجتماعی و مجازی ارتباط دارد، می‌تواند آن را داشته باشد. اگرچه هویت مجازی، هویت ساختگی تلقی می‌شود، بعضی اوقات نیز ممکن است هویت واقعی یا مثل آن باشد. بحران هویت مجازی هنگامی رخ می‌دهد که فرد به واسطه امکان تغییر در هویت واقعی در فضای مجازی با معانی و هویت جدیدی رو به رو شود که ساخته خود اوست و همزمان در کنار هویت واقعی قرار می‌گیرد و در صورتی که این دو هویت از یکدیگر فاصله زیادی داشته باشند، به خصوص که فرد بتواند به واسطه هویت مجازی برخی اعمال خلاف هنجار اجتماعی را انجام دهد، بحران هویت مجازی شکل می‌گیرد. در واقع

با توجه به گسترش روز افزون شبکه‌های اجتماعی در دنیا و ایران، استفاده نوجوانان و جوانان ایرانی از اینترنت رو به گسترش است که این افزایش ورود بی‌رویه جوانان به فضاهای مجازی آسیب‌های زیادی را به همراه خواهد داشت.

تغییرات اجتماعی با زمینه‌های ناشی از تحولات ساختاری و جمعیتی در کنار تغییرات ناشی از آثار معناساز مطرح شده در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی، وضعیتی قابل تأمل از بحران هویت اجتماعی پدید آورده است. یکی از بحران‌های فردی و اجتماعی دیگر خودپنداری ناشی از تعامل کاربران با فضای مجازی بوده و «امپاتی» در چنین شرایطی همانند یک سندروم اجتماعی، بحران‌های هویتی را دامن می‌زند و این امر زمینه‌ساز بسیاری از تعارضات سیاسی خواهد شد.

به نظر می‌رسد با توجه به فرایند جهانی‌شدن و مواجه شدن نسل متراکم جوان ایرانی با فضای مجازی، ضروری است عواقب این مواجهه در ایجاد بحران‌های هویتی بررسی شود. همان‌گونه که اشاره شد جامعه ایران به لحاظ قراردادن در دوره تاریخی خاص، از جنبه‌های «گذار» امروزه علاوه بر بحران هویت دوره تاریخی صنعتی، بحران‌های هویتی دوره پسا صنعتی و فضای مجازی را نیز تجربه می‌کند. مسائل هویت‌های قومی هر چند محسوس نیست، در فضای مجازی تحولات خاص خود را دارد. در حال حاضر با توجه به رشد فزاینده شبکه‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی برای منابع هویت‌ساز جدید با توجه به فضای مجازی در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی الزامی است.